



تأملی بر مشخصه‌های مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

هدفی که گم نشد



احمد مسجدجامعی

قائم‌مقام و عضو شورای عالی علمی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

و در اختیار ویراستار قرار دهد. این یک کارگاه است؛ زیرا درست‌نویسی دائرة المعارف نیز بسیار اهمیت دارد. دائرة المعارف بزرگ اسلامی چنین جایگاهی دارد و از این نظرگاه، شاخص است؛ در نتیجه، اگر کسی تجربه کار در مرکز دائرة المعارف را داشته باشد، از لحاظ علمی، ضمانت بیشتری روی اوست تا اینکه بگوید مدرک دانشگاهی دارد. از این نظر، جایگاه پژوهشگر و محقق همین‌جاست و اینجا در رشدش مؤثر است؛ بنابراین باید در سیاست‌گذاری کلان، برای این کارها اولویت قائل شد، وگرنه به فرهنگ پژوهش لطمه می‌خورد به‌ویژه اکنون که دانشگاه‌ها

مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی نوعی جوشش بود. یکی از مشخصه‌های فرهنگی انقلاب همین روی آوردن به دائرة المعارف‌نویسی بود؛ چون دائرة المعارف کتاب پایه و مرجع است، نه تخصصی؛ بلکه مقدمه ورود به کارهای تخصصی است؛ اما این دائرة المعارف چنین نیست و می‌توان گفت بیشتر مقالاتش تخصصی است که از جهتی قابل نقد است؛ زیرا، دائرة المعارف مجموعه چکیده تحقیقات دیگران است و نباید مبدا تحقیق مستقل باشد؛ اما در ایران فراتر از فضای دائرة المعارف به معنای عمومی رفته است. از کارهای پیش از انقلاب، باید از دائرة المعارف مصاحب نام برد که کاری بسیار مهم است و هنوز هم در ویرایش به آن ارجاع می‌دهند. بسیاری از محققان امروز جوانی و میان‌سالی‌شان آنجا بودند.

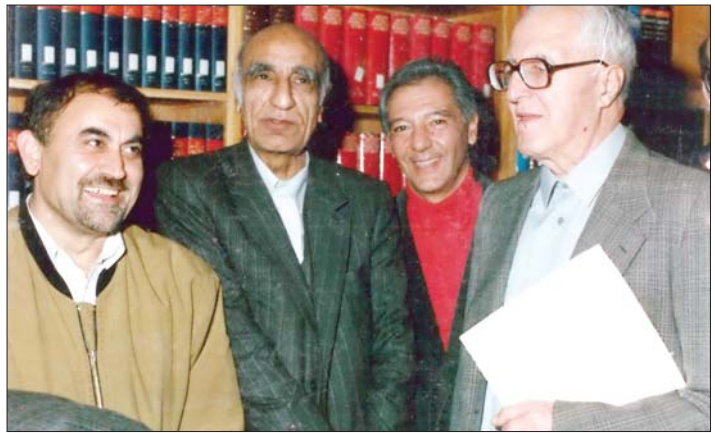
مقاله‌نویسی در اینجا کاری کارگاهی است که در دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها تنزل یافته است. در اینجا، برای نگارش یک مقاله، باید گروهی مدخل تعیین کنند. سپس پرونده علمی تشکیل شود و در اختیار محقق قرار گیرد. محقق نیز باید همه مقالات را ببیند و بخواند و بنویسد

ضعیف شده‌اند. بالاترین محصول دائرة المعارف در این روزگار پرورش محققان متخصص در زمینه‌های مختلف است.

چهل سال زمانی طولانی است و ما بسیار فراز و فرود داشتیم و بسیاری از آن در حوزه علم و دانشگاه بوده است. یک مرکز بدون اینکه خودش را متکی به منابع دولتی کند - نه اینکه از آن استفاده نکند - تنها تجربه‌ای است که در ایران داریم. بقیه ردیف بودجه دارند؛ اما اینجا نداشته و از تبرعات و وجوهات شرعی استفاده نمی‌کرده و این کار خیلی مهم است. حال اگر در کاری با این ابعاد و وسعت اشکالاتی هم بوده، چندان مهم نیست زیرا این‌جا از نظر علمی، سفره‌ای گشوده است، هدفش را نیز گم نکرده و این بسیار مهم است. برخی از این فعالیت‌ها از جایی شروع می‌کنند و از جایی دیگر سر در می‌آورند یا آن را نیمه‌کاره رها می‌کنند. از نگاه کلان می‌گویم که کاری بزرگ انجام شده است. هر چند ممکن است ساختارش اصلاحاتی بخواهد، در مجموع، درست چیده شده است. این مشکلات مرکز را آبدیده کرد و برای همکاران ما نیز تجربه شده و این‌جا به یک خانواده تبدیل شده است که به‌شدت از خودش دفاع می‌کند.



ژاله آموزگار، علی‌اشرف صادقی و مهدی محقق / جلسه شورای عالی علمی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۸ اسفند ۱۳۸۷



عباس زریاب خوبی، آذرتاش آذر نوح، محمد ابراهیم باستانی پاریزی، کاظم موسوی بجنوردی / مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زمستان ۱۳۷۰

در خصوص کامیابی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی منطق درونی مقالات؛ رمز موفقیت



غلامرضا اعوانی

عضو شورای عالی علمی
مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی به عقیده من توانسته است خدمات بسیار بزرگ فرهنگی‌ای را در تاریخ معاصر ایران انجام دهد که این همه فقط با همت و تلاش آقای موسوی‌بجنوردی است که به ثمر نشسته است. ایشان موفق شده افاضل و اعالم دوران را دور خویش گرد آورد و بهترین و مناسب‌ترین مکان را برای تحقیق و پژوهش آنان فراهم کند. از سوی دیگر، این همیاری و همکاری استادان بدون وجود کتابخانه‌ای غنی که به جرئت می‌توان آن را بزرگ‌ترین کتابخانه علوم انسانی منطقه دانست، هیچ‌گاه تداوم نمی‌یافت و همین ویژگی هم هست که آن را نسبت به رقیب قدیمی و دیرینه‌اش «دائرة المعارف اسلام» که امروز ویرایش سوم خود را می‌گذراند برتری می‌دهد؛ چراکه علاوه بر مزیت‌های فوق، از منابع دست اولی نیز سود می‌جوید که آنها کمتر به این منابع و مآخذ دسترسی مستقیم دارند. باید توجه داشت که یک دائرة المعارف با حفظ تمام شرایط برای کار علمی، لازم است که از منطق درونی نیز غافل نباشد یعنی هر مقاله باید به‌گونه‌ای نگاشته شود که از فهم دقیق جهان بینی موضوع مورد بحث برخوردار باشد. و به‌نظر بنده، مرکز توفیق یافته که این ویژگی بسیار مهم را در همه مقالات خود لحاظ کند.

به پاس سال‌ها مفارقت با مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی چهار دهه ایران دوستی



غلامحسین ابراهیمی دینانی

مدیر پیشین بخش فلسفه و عضو شورای عالی علمی
مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

کاظم موسوی‌بجنوردی را از سال‌ها پیش می‌شناسم. پدرش هم از علمای بزرگ نجف بود. وقتی دائرة المعارف بزرگ اسلامی را آغاز کرد، خودش از من دعوت کرد و گمان می‌کنم از پاییز ۱۳۶۵ بود که به این مؤسسه پیوستم با او رفاقت یافتم. نخستین مدخلی که نوشتم و در همان جلد نخست منتشر شد، «آکل و ماکول» بود. چهار مقاله دیگر هم نوشتم و در فروردین ۱۳۷۱ مرا به مدیریت بخش فلسفه و عضویت در شورای عالی علمی گمارد، اما از چندی بعد دیگر حضور مستقیم نداشتم. دائرة المعارف بزرگ اسلامی سرشار از مقالات گوناگون و متنوع از مؤلفان مختلف است و پس از چهل سال مجموعه‌ای به فرهنگ ایران تقدیم کرده که نظیرش را نمی‌توان یافت و این همه از ایران دوستی‌اش می‌آید.